



تاریخ‌نگاری برای کودک و نوجوان

(اهداف، گستره‌ها،
بایدها و نبایدها)

سید علی محمد رفیعی

ما دارد و پهنه و دامنه رویکرد به آن از تنوع، ژرفایی و پویایی بسیاری برخوردار است و نباید در زمینه تاریخ‌نگاری خود را در حصارهای سنتی و کهنه پوشیده از تارهای عنکبوت زندانی کنیم. در این میان، مهم این است که چه نگرش، باور و احساسی نسبت به محتوای اثر تاریخی داشته باشیم و چه ابزارهایی را در این زمینه به کار گیریم.

۱. تعریف «تاریخ» و «تاریخی»

در بررسی فرهنگ‌های انگلیسی و فرانسه زبان، مانند Oxford، Webster، Advance و Larousse به تعاریف و کاربردهای متفاوتی برای واژه‌های «تاریخ» (histoire، history) و «تاریخی» (historical، historic، historique، historiquement) برمی‌خوریم که نمایانگر گستره و عمق معنایی و مفهومی ماده «تاریخ» است. در زبان‌های فارسی و عربی نیز اغلب همین معانی، در کاربردهای

تاریخ چیست؟ به چه کار می‌آید؟ آیا تاریخ‌نگاری و پرداختن به تاریخ، برای کودکان و نوجوانانی که در حال می‌زیند و رو به آینده دارند، مفید است؟ شرایط و ضوابط مفید یا نامفید بودن آن چیست؟ اگر آن را مفید می‌دانیم، چه کنیم تا مخاطب ما به آن گرایش یابد؟ گستره پرداختن به تاریخ تا کجاست؟ چگونه و با چه ضوابطی می‌توان تاریخ‌نگاری را از شیوه‌های کسل‌کننده و گریزاننده نجات داد و به عنصری فعال و پویا در زندگی امروز تبدیل کرد؟ تصویرگری‌ها و یا تصویرسازی‌های تاریخی باید از کدام پشتوانه‌ها برخوردار باشند؟

در مقاله حاضر، نخست به تعاریف «تاریخ» و «تاریخی» و سپس نیازها و هدف‌های قابل قبول پرداختن به تاریخ اشاره می‌کنیم و آن‌گاه از راه‌های مناسب رسیدن به این هدف سخن می‌گوییم؛ با این انگیزه که به گونه‌ای فشرده بگوییم تاریخ و پرداختن به تاریخ، دفاعیه و مشروعیتی برای حضور در زندگی و مطالعات امروز آینده‌سازان

گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرند:

الف. معانی «تاریخ»

الف - ۱. شاخه‌ای از دانش که به مطالعه رخدادهای گذشته، به ویژه تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور یا ملت یا جهان می‌پردازد (علم تاریخ/ تاریخ عمومی/ تاریخ سیاسی/ تاریخ اجتماعی/ تاریخ اقتصادی/ تاریخ علوم/ تاریخ هنرها/...).

الف - ۲. گزارش، شرح و توصیف مکتوب از رخداد یا رخدادهایی در گذشته (تاریخ مکتوب/ متن تاریخی/ نگارش تاریخی).

الف - ۳. توصیف سامان مند و دارای ترتیب رخدادهای گذشته (تاریخ تقویمی/ تاریخ تحلیلی).

الف - ۴. رخدادی ثبت شده درباره یک شخص، خانواده، خانه و غیر آن (تاریخچه/ سرگذشت‌نامه/ زندگی‌نامه/ شناسنامه تاریخی).

الف - ۵. آموزش رخدادهای مرتبط با یک شخص یا شیء (درس تاریخ/ درس رجال/ درس جغرافیای تاریخی و اقلیم‌شناسی/ درس باستان‌شناسی/ درس عتیقه‌شناسی/ درس موزه‌داری/ درس میراث فرهنگی و تاریخ فرهنگ).

الف - ۶. بخشی جالب یا پرماجرا از زندگی شخص یا سرگذشت شیء (خواندنی‌های تاریخی/ عبرت‌های تاریخ/ حوادث/ خاطرات/ شاهکارها/ افتخارات/ خدمت‌ها و خیانت‌ها/ گزیده‌های گوناگون از تاریخ).

الف - ۷. گستره زمانی زندگی انسان.

الف - ۸. گزارشی از گذشته جهان هستی (تاریخ طبیعی/ تاریخ پیدایش جهان/ دیرین‌شناسی/ بخشی از فیزیک یا نجوم یا علوم دیگر که به گذشته جهان آفرینش می‌پردازد).

الف - ۹. گذشته به مفهوم کلی.

الف - ۱۰. واقعیت، رخداد یا چیزی جز آن‌ها که دیگر دارای ارتباط یا اهمیتی در نسبت با موضوع

موردنظر یا موردبحث ما نیست (بخش‌های بی‌مصرف تاریخ/ بخش‌های نامتناسب با مخاطب یا زمان، مکان یا موضوع).

الف - ۱۱. افسانه؛ دروغ (بخش‌های تحریف شده یا نادرست تاریخ/ اسطوره‌های شبه تاریخی).

الف - ۱۲. زمان وقوع رخداد یا چیزی.

الف - ۱۳. تعیین زمان وقوع رخداد یا چیزی.

الف - ۱۴. ثبت زمان وقوع رخداد یا چیزی.

ب. معانی «تاریخی»

ب - ۱. مربوط به تاریخ (با معانی گوناگون آن).

ب - ۲. مربوط به تاریخ (با معانی مرتبط با سندیت و اعتبار آن)، در برابر «افسانه». غیرافسانه‌ای، گزارشگر کنش‌ها، رخدادها و امور واقعی و غیرتخیلی.

ب - ۳. بر پایه تاریخ (با معانی گوناگون آن).

ب - ۴. متعلق به دوران تاریخ مکتوب.

ب - ۵. رخ داده در زمان گذشته.

ب - ۶. مربوط به رخدادی در زمان گذشته.

ب - ۷. مربوط به رخدادها یا مردمی واقعی یا تخیلی در زمان گذشته.

ب - ۸. مشهور در تاریخ یا چیزی که در تاریخ، مهم تلقی می‌شود.

ب - ۹. آن چنان مهم، چشمگیر یا غیرمعمول بودن کار یا چیزی که قابلیت ثبت در تاریخ به آن می‌بخشد (به تاریخ پیوستگی/ تاریخ‌سازی).

(توضیح: نکاتی که در این تعاریف در داخل

پرانتر آمده، اضافات نگارنده و شرحی است بر این که مصادیق یا مفاهیم این تعاریف، کدام حوزه یا شیوه از نگرش یا نگارش تاریخی را شامل می‌شود). این تعاریف و کاربردها می‌توانند افق و دیدگاهی فراتر از آن چه می‌پنداریم، درباره نگارش تاریخ یا خلق اثر تاریخی یا تصویرسازی براساس تاریخ یا تصویرگری تاریخی به ما ببخشند. اما مهم این است که براساس این تعاریف و بر پایه

جهانبینی و نگرش‌های خویش، درباره شرایط درستی و روایی یا مفید و موجه بودن پرداختن به تاریخ و انتقال آن به کودکان و نوجوانان، چه نیازهای را احساس می‌کنیم و چه اهدافی را درست می‌دانیم که اگر خلق اثری بر پایه شناخت آن نیازها و برای دستیابی به آن اهداف باشد، از نظر ما درست، رواق، مفید و موجه است.

۲. نیازها و هدف‌های پرداختن به تاریخ

شاید بیش‌تر ما هنوز هم احساس ناخوشایند درس تاریخ و امتحان تاریخ را از دوران دانش‌آموزی به خاطر داشته باشیم و به یادمان مانده باشد که از خود پرسیده‌ایم این درس به چه درد می‌خورد؟ هنوز هم شاید پاسخی مناسب و قانع‌کننده برای فرزندان خود نداشته باشیم که فلسفه مطالعه تاریخ چیست و حتی اگر فلسفه‌ای داشته باشد، چرا مطالعه آن را به زمانی موکول نکنیم که شخص در خردسالی یا بزرگسالی این نیاز را احساس می‌کند. به عبارت دیگر، اگر مطالعه تاریخ برای کودک و نوجوان ضروری است، این ضرورت‌ها چیستند و تا چه اندازه واقعی‌اند و فراتر از مصلحت‌اندیشی‌های نقدپذیر ما می‌توانند وجود داشته باشند؟ به فرض صحت همه این‌ها، آیا انتقال اطلاعات تاریخی به کودک و نوجوان، تنها از راه کتاب درسی، آن هم به همان شیوه‌های سنتی امکان‌پذیر است یا راه‌های بهتری هم وجود دارد؟ آیا آموزش تاریخ - حتی در کتاب درسی - به یک شیوه یا چند شیوه شناخته شده محدود می‌شود؟ آیا با وجود همه ضرورت‌ها، شیوه‌های نادرست انتقال تاریخ به کودکان و نوجوانان، نمی‌تواند مایه نقض غرض شود و ما و مخاطب را از هدف دور کند؟

پاسخ همه این پرسش‌ها، مستلزم آن است که نخست ضرورت‌های تعیین‌کننده اهداف را تشخیص دهیم و سپس برنامه‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کنیم که هدف‌گرا باشند. به نظر

می‌رسد اگر معتقد به نظریه علم برای علم نباشیم و برخی دانستی‌ها را به نسبت زمان، مکان یا مخاطب، مفید یا غیرمفید تشخیص دهیم؛ هم‌چنین برخی واقعیت‌ها را در نظر بگیریم و سعی کنیم خود را نیز از تعصب‌ها برکنار نگاه داریم، می‌توانیم با توجه به معانی و مفاهیم گسترده‌ای که برای واژه‌های «تاریخ» و «تاریخی» برشمردیم، این اهداف را برای انتقال آگاهی‌های تاریخی به کودک و نوجوان، قابل دفاع تشخیص دهیم:

۲-۱. پاسخ به حس کنجکاوی

پاسخ به حس کنجکاوی کودک و نوجوان نسبت به زمان، گذشت زمان، زمان گذشته، گذشته انسان و جهان، پیشینه اشیا، چگونگی زیستن پیشینیان و نیاکان، ماجراهای جالب زندگی دیگران، رفتن به فضای زیستی آنان و شریک شدن در زندگی روزمره و فراز و نشیب‌ها و غم‌ها و شادی‌های‌شان.

۲-۲. پیش‌آگاهی

آموزش گرفتن از رفتارهای درست یا نادرست پیشینیان، به منظور عبرت و پیش‌آگاهی؛ از آن رو که سنت‌هایی ثابت در رفتار انسان و جهان قابل تکرار است و تجربه دیگران می‌تواند راه خطای ما را ببندد. این‌جاست که گذشته، یکی از چراغ‌های راه آینده می‌شود و در بسیاری موارد، راه برخورد با پیشامدهای آینده را به ما نشان می‌دهد. نتیجه این کار، به درستی تصمیم امروز و پرهیز از تصمیم نادرست در آینده کمک می‌کند.

۲-۳. روحیه گرفتن

روحیه گرفتن از تلاش‌ها و زحمات گذشتگان و استقامت آن‌ها در زندگی و جا نزدن، دل‌سرد نشدن و به ناامیدی نگراییدن در دشواری‌ها، ناکامی‌ها و

تلاش‌های دیربازده.

۲-۹. دورنگری

آگاهی از پیوند گذشته‌ها با یکدیگر، پیوند گذشته با حال و حال با آینده به منظور مقطعی، موردی و کوتاه‌مدت ندیدن پدیده‌ها و کنش‌ها، واکنش‌ها، پیامدها و گستره وجودی آن‌ها از گذشته تا آینده.

۲-۴. هویت‌شناسی

شناخت هویت یا بخشی از هویت انسانی، ملی، قومی، نژادی، فردی، خانوادگی، علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، سیاسی و دینی خود در ارتباط و مقایسه با هویت‌های دیگر و یافتن و نزدیک شدن به پاسخ این پرسش که: «من کیستم؟»

۲-۱۰. گسست‌گریزی و تکرارستیزی

پیشگیری از گسست تجربی، علمی، فرهنگی و هنری میان امروز و گذشته. همچنین، طی‌نکردن راه طی‌شده گذشتگان و آغاز از نقطه پایان تلاش‌های پیشینیان و نیفتادن به وادی تکرار تجربه دیگران و در نتیجه، سریع‌تر به پیشرفتگی رسیدن.

۲-۵. خودباوری

کسب غرور انسانی، بر اثر آگاهی از هویت خود، در ارتباط و مقایسه با هویت‌های دیگر و کشانده نشدن به وادی خودکم‌تر بینی و برتر بینی دیگران.

۲-۶. تعصب‌ستیزی

شناخت نقاط ضعف هویت خویش و هویت‌های دیگر و دفع غرور و تعصب کاذب ملی، قومی، نژادی، خانوادگی، فردی و نیز تعصب‌های نامستند علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، سیاسی و دینی و نیفتادن به وادی انواع خود برتریینی کاذب.

۲-۱۱. قدرشناسی

قدرشناسی نسبت به گذشتگان، به عنوان تأثیرگذاران در زندگی امروز ما و هموارکنندگان راه بهتر زیستن ما و یا به عنوان تلاش‌گرانی که با همه ضعف‌ها و قوت‌ها و آزمون‌ها و خطاهای خود، در تکوین امروز ما و چگونه بودن امروز ما سهم مهمی داشته‌اند.

۲-۷. تحول‌گرایی و تحول‌شناسی

آگاهی از سیر تحول علوم و معارف، فنون و هنرها، ادیان و مذاهب به عنوان یکی از بهترین شیوه‌های آموزش و علاقه‌مندسازی مخاطب به مطالعه علمی، فلسفی، فرهنگی، هنری، ادبی و دینی و یادگیری چگونگی ایجاد تحول در دستاوردهای بشری.

۲-۱۲. انسان‌باوری

شناخت بهتر انسان در ابعاد گوناگون، به عنوان تأثیرگذارترین آفریده‌ای که با همه ضعف‌ها و قوت‌ها و خوبی‌ها و بدی‌هایش، بیش‌ترین تغییر را در جهان هستی پدید می‌آورد.

۲-۸. پیوندگرایی علمی

آگاهی از تأثیر و تأثر علوم، معارف، فنون، هنرها و ادیان و مذاهب و فرهنگ‌ها و سیاست‌ها بر یکدیگر و از یکدیگر به صورت پنهان و آشکار و در زمان‌های دور یا نزدیک.

۲-۱۳. ارزشگذاری اشیا

بها دادن به انسان‌ها، اشیاء و پدیده‌های اطراف، به عنوان عناصری حاوی اطلاعات گذشته. همچنین، نگاه عمیق‌تر به تولیدات انسانی و محصولات دستی و فکری او، به عنوان اشیا، مکان‌ها و دستاوردهایی ارزشمند از گذشته و امروز.

کسب قدرت استدلال برای تمیز میان واقعیت و حقیقت، از افسانه، خرافه و واقع‌نما و نیز آگاهی از پدیده تحریف و شناخت، شناسایی و نفی تحریف‌ها و دستیابی به نگاه نقادانه، واقع‌جویانه، حق‌گرایانه و تحریف‌شناسانه.

۲-۱۹. مهارت‌افزایی

آگاهی از شیوه نگارش علمی، نگارش تاریخی، گزارش نویسی علمی، سرگذشت‌نامه نویسی، خاطره‌نویسی، تهیه شناسنامه تاریخی، شیوه خوانش آثار گذشتگان و شیوه نگارش آنان و کاربرد بهتر ابزار زبان برای خلق آثار تاریخی.

۲-۲۰. آینده شغلی

دستیابی به تخصص تاریخ‌دانی، تاریخ‌نگاری و تحلیل‌گری تاریخ، به عنوان شغلی در آینده.

۲-۲۱. بینش‌افزایی، روشن‌اندیشی، روشنگری

تاریخ‌خوانی و تحلیل‌گری تاریخ، به عنوان مزیتی برای روشن‌اندیشی بیش‌تر، اندیشه‌بخشی به جامعه و افزایش بینش خود و دیگران.

۲-۲۲. پویش‌باوری و آرامش‌یابی

آگاهی از سیر تحول هستی و نهاد پویا و ناآرام جهان و نیز پذیرش حرکت دایم و ذاتی زندگی انسان و حیات موجودات به عنوان یک واقعیت. هم‌چنین دستیابی به آرامش براساس پذیرش واقعیت و آمادگی پیشین و تنظیم نگرش‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های خود براساس پذیرش این واقعیت.

۲-۲۳. زمان‌باوری و زمان‌گرایی

دریافت نقش بنیادین و محوری زمان، به عنوان بستر تحول و استفاده بهینه از آن.

بهادادن به حافظه انسان‌ها، رخداد‌های روزمره و عناصر زندگی امروز، به عنوان پدیده‌هایی تاریخی، یا حامل تاریخ یا قابل ثبت در تاریخ و شناختن عنصر زمان، به عنوان یکی از عوامل ارزشگذاری اشیا.

۲-۱۴. جهان‌باوری

بهادادن به طبیعت و موجودات طبیعی، به عنوان عناصری حاوی اطلاعات گذشته، تأثیرگذار در گذشته و حال و آینده و سرسری نگذشتن از کنار پدیده‌ها.

۲-۱۵. پیوسته‌بینی و چندجانبه‌نگری

یافتن قدرت شناخت و تحلیل پدیده‌ها، به عنوان عنصری از یک شبکه چندبعدی و تودرتوی مرتبط با قبل، بعد، بالا، پایین و دیگر جهات خویش، فراتر از ویژگی‌های فردی و منحصر به فرد آن و نقش زمان به عنوان یکی از عوامل و عناصر شناخت.

۲-۱۶. مبدأگرایی و منشأیابی

کسب روحیه علت‌یابی در رخدادها و پدیده‌ها، پرسشگری از چیستی و چرایی، بازگشت به گذشته پدیده‌ها و جست‌وجوی مبدأ رخدادها و علت آغازین وجود پدیده‌ها.

۲-۱۷. پژوهش‌گرایی، دانش‌شناسی، دانش‌ورزی

آشنایی با روش تحقیق علمی، روش پژوهش تاریخی، راه‌های جست‌وجوی حقیقت و دستیابی به حقیقت، راه‌های دستیابی به حقیقتی متعلق به زمان گذشته، علمی‌اندیشیدن و به کارگیری روش بررسی و توصیف علمی.

۲-۱۸. نقادی و هشیاری

آشنایی با نقد، روش نقد، روش نقد تاریخی، نقد روش‌های پژوهشی و مدعیات تاریخی. هم‌چنین

۲-۲۴. خودتاریخی بینی

بهادادن به زمان، به عنوان بستر فعالیت‌های امروزی و دیدن کنش‌ها و واکنش‌های خود در بستر تاریخ. هم‌چنین خود را در تاریخ دیدن و نیز سرسری نگرفتن کنش‌ها و واکنش‌های خویش و بهادادن به رفتارها و تصمیم‌های امروزی. به علاوه، مراقبه و مراقبت از خویش در کنش‌ها و واکنش‌ها و باور یافتن به امکان «تاریخی عمل کردن» خویش.

۲-۲۵. زمان‌شناسی و خودشناسی تاریخی

آگاهی از جایگاه جبری کنونی خود، در ارتباط با گذشته و آینده از ابعاد گوناگون تاریخی آن؛ مواردی که به انتخاب خویش در آن قرار نگرفته‌ایم (آن چه مربوط به گذشته است، جبری است).

۲-۲۶. جبرستیزی

آگاهی نسبت به نظریه‌های جبر تاریخی، جبر زمان و دیگر جبرگرایی‌ها، برای شناخت و نقد عمیق آن‌ها و کسب خودآگاهی، به منظور قیام علیه آن‌چه جبری پنداشته می‌شود، اما قابل تغییر است (آن‌چه مربوط به حال یا آینده می‌شود، جبری نیست).

۲-۲۷. جای‌گزینی

انتخاب جایگاه و تعریف نقش خود در زمان حاضر، به عنوان عنصر مهم در ایجاد تغییرات حتی بنیادین و دگرگون‌ساز آینده. نیز تعریف پویا، تأثیرگذار و غیرمنفعل از «فرزند زمان خویش بودن».

۲-۲۸. تعجیل‌گریزی و تعلل‌ستیزی

شناخت نقش زمان، در کاهش یا افزایش ارزش یا تأثیر کنش‌ها و واکنش‌ها و خامی و پختگی امور و نیز وقت‌شناسی و به‌هنگام‌گرایی در کنش‌ها و واکنش‌ها. هم‌چنین، پرهیز از تعجیل یا تعلل در

تصمیم‌ها و فعالیت‌ها.

۲-۲۹. تاریخ‌سازی

تأثیرگذاری درحال برای تغییر در آینده، بر اثر احساس مستمر وابستگی به آینده، احساس استمرار وجود خویش در آینده و وضعیت آینده را وابسته به تصمیم امروز خویش دیدن.

۲-۳۰. بسط تجربه تاریخی

درک عمیق تاریخ و کسب قدرت الگوگیری و انتزاع پدیده‌ها و سنت‌های فرازمانی از تاریخ، به منظور بازآفرینی تخیلی یا نیمه تخیلی یا آفرینش آثاری ادبی، هنری و فنی که فرازمانی و یا متعلق به مکان‌ها و یا زمان‌هایی تخیلی و یا با شخصیت‌ها و یا عناصری تخیلی باشند.

۲-۳۱. به سوی هدف

بی‌تردید، دستیابی به هدف، تنها با شناسایی هدف ممکن نیست، بلکه ملاحظات و ابزارهای بسیاری را در این راه باید در نظر داشت و به کار گرفت. در دستیابی به هدف‌های ۳۰ گانه‌ای که برشمردیم و برای درک بهتر این هدف‌ها، توجه به نکاتی چند ضروری است:

۳-۱. بدون توجه به این هدف‌ها، خواندن، نوشتن، گفتن، شنیدن، دیدن، به تصویر کشیدن و فیلم ساختن تاریخی یا درباره تاریخ، کاری عبث و بیهوده و اتلاف وقت و نبش قبر گذشته است. ما درحال می‌زییم و به سوی آینده در حرکتیم. گذشته، گذشته است. هرگونه فعالیتی که به حال ما، برای حرکت بهتر ما به سوی آینده، به آینده ما، برای بهتر زیستن ما کمک نکند، لهُو و باطل و مایه حسرت ما در آینده خواهد بود.

۳-۲. بی‌تردید، همه این هدف‌ها متناسب همه گروه‌های سنی و تحصیلی با ویژگی‌های متنوع روان‌شناختی نیستند و باید متناسب با سن

- و دانش و روان‌شناسی مخاطب، اهداف متناسب انتخاب شوند.
- ۳-۳. هرچه هدف‌ها پیچیده‌تر، انتزاعی‌تر و متعالی‌تر شوند و به دانش و خرد و بینش عمیق‌تری نیاز داشته باشند، رده سنی و مطالعاتی مخاطب باید بالا رود.
- ۳-۴. در پدیدآوری هر اثر تاریخی - اعم از آموزشی، ادبی یا هنری - دست کم یکی از این هدف‌ها باید در نظر باشد و قالب، محتوا و پیام اثر متناسب با نتایج بررسی‌های مخاطب‌شناسانه انتخاب شوند و هدف یا هدف‌ها را نشانه برونند.
- رعایت عوامل و عناصری که مایه جذابیت متن برای مخاطب یا درگیر ساختن او با متن می‌شوند، از ضروریات یک نگارش خوب برای کودک و نوجوان است و به تناسب سن، اطلاعات، موقعیت، روان‌شناسی و دیگر موارد مرتبط با مخاطب‌شناسی، تعاریف گوناگونی دارد. در زیر، به برخی عوامل و عناصر که به جذابیت یک متن یا تصویر تاریخی می‌افزایند، اشاره می‌شود:
۱. ارضای حس کنجکاوی و نشانه رفتن این احساس در هر سن.
 ۲. تعلیق و درگیرسازی مخاطب با متن.
 ۳. تفصیل و اطناب به‌جا.
 ۴. ایجاز به‌جا.
 ۵. ساده‌سازی مفاهیم دشوار و دیرپاب.
 ۶. تخیل‌انگیزی و درگیرسازی مخاطب با خویش.
 ۷. درگیرسازی مخاطب با تاریخ و ایجاد انگیزه برای کشف، تولید و خلق اثر تاریخی.
 ۸. ماجراها یا آموزش‌های مرتبط با نیازهای سنی (برای نمونه، آموزش شیوه‌های نگهداری و داشتن کلکسیون و مجموعه تمبر، سکه، اسکناس، کبریت، کتاب خطی، روزنامه‌ها و مجله‌های قدیمی، امضا و دستخط مشاهیر، میراث‌های خانوادگی، اشیای عتیقه منزل و... در سنین کلکسیونی نوجوانان).
۹. آموزش شیوه‌ها و اجرای نمونه‌های نقد تاریخ، خرافات‌ستیزی، اثبات صحت یا دروغ بودن برخی مدعیات یا مکتوبات یا به ظاهر مسلمات تاریخی، در سنین آغاز استقلال فکری نوجوان.
۱۰. به طنز گرفتن تاریخ و متون تاریخی و به کارگیری شیوه‌های نگارش طنز تاریخی، در سنین دلچکی و شوخ طبعی کودکان و نوجوانان.
۱۱. به کارگیری زبان کهن متون تاریخی به جد یا به طنز، برای مخاطبانی که ذوق ادبی دارند.
۱۲. گنجاندن عناصر واقع‌گرایانه مبتنی بر اطلاعات دقیق چهره‌شناسی، پیکرشناسی، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و اشیا و ابنیه و دست‌سازهای انسان‌های هر دوره و ایجاد تصاویر زیبا، عمیق و پر از اطلاعات، به گونه‌ای که مخاطب را به مشاهده طولانی و گردش در تصاویر بکشاند و هر بار کشفی جدید به او ببخشد.
- ۳-۵. در خلق اثر برای مخاطب، این نکته اساسی را باید در نظر داشت که زمان دستیابی به هدف، لزوماً با زمان خوانش اثر یکی نیست. به عبارت دیگر، تأثیر پیام، ممکن است لزوماً کوتاه مدت یا آنی نباشد و حتی سال‌ها و یا ده‌ها سال بعد خود را نشان دهد. بنابراین، پدیدآورنده اثر یا ناقد اثر یا انتخاب‌کننده اثر، باید متوجه این نکته باشد که تأثیر هر اثر ممکن است آنی یا در کوتاه‌مدت یا بلندمدت باشد یا حتی آثاری عمیق و چندلایه، همه این تأثیرها را داشته باشند و در هر گروه سنی با مخاطب خردسال و بزرگسال، به تناسب، نقشی تازه یا عمیق‌تر بیافرینند. با توجه به این واقعیت، خلق آثاری برای مخاطب خردسال که بتواند تأثیری در حافظه و خاطره او بگذارد و این تأثیر، سالیان بعد و در بزرگسالی یا کهنسالی نقشی در زندگی فکری و عملی وی بیافریند، از

۴-۴. آموزش علوم و فنون مرتبط با تاریخ: حفاری و کشف آثار تاریخی/ عتیقه شناسی/ مجموعه‌داری و موزه‌داری/ نگارش شناسنامه اشیاء، آثار و ابنیه تاریخی/ گمانه‌زنی/ نگارش زندگی‌نامه/ گزارش‌نویسی تاریخی/ شیوه‌های نگارش مرتبط با تاریخ/ فولکلور و مردم‌شناسی/...

۴-۵. نگارش تاریخ امروز و خلق آثار تاریخی: وقایع‌نگاری/ خاطره‌نویسی از خود و دیگران/ زندگی‌نامه و شرح حال‌نویسی از خود و دیگران/ تاریخ خانوادگی، ثبت محفوظات بزرگان خانواده، شجره‌نامه و نسب شناسی/ گزارش کشف‌های تاریخی/ نقد تاریخ گذشته/ نگارش گزارش‌های تاریخی در محدوده جغرافیایی خویش/ ثبت گزارش‌هایی از تاریخ امروز و رخداد‌های جاری برای روشنگری و پیشگیری از تحریف در زمان‌های آینده/...

۴-۶. نگارش‌های ادبی با الهام از تاریخ: تقلید سبک بیان آثار کهن تاریخی/ نگارش‌های تخیلی با الهام از تاریخ/ نگارش‌های نیمه تخیلی تاریخی/ طنز تاریخی/ داستان کوتاه و بلند تاریخی (از داستانتان تا رمان)/ خلق اسطوره‌های نو/ نگارش فیلم‌نامه و اقتباس‌های گوناگون از آثار تاریخی/ بازپرداخت یا نقل و تنظیم و تدوین هنرمندانه یا گزارش‌گرانه پاره‌ها و حکایت‌های تاریخی/...

۴-۷. تصویرگری تاریخی: ویژگی‌های تصویرگری تاریخی با گونه‌ها و روش‌های اجرا و نقد آن/ تصویرسازی و سبک‌ها و مکتب‌های آن/ شناخت علوم، فنون، معارف، هنرها و دیگر آگاهی‌های تاریخی و باستان‌شناسی موردنیاز برای تصویرگری/ تصویرگری تخیلی تاریخی یا تصویرگری تخیلی با الهام از تاریخ/ کاریکاتور یا طنز تصویری تاریخی/...

هدف‌های خلق اثر برای کودک و نوجوان می‌تواند باشد. برخی از هدف‌های ۳۰ گانه‌ای که در بند ۲ برشمردیم، از این دسته‌اند.

۴. محتوای اثر تاریخی

باتوجه به تعاریف متنوع «تاریخ» و «تاریخی» و نیازها و اهداف بسیار پرداختن به تاریخ، می‌توان دریافت که محتوای اثر تاریخی، از گستره و تنوع بسیاری برخوردار است و مضامین بسیاری را می‌توان در خلق آثار تاریخی (اعم از دیداری، شنیداری یا نوشتاری) به کار گرفت. فهرست‌واره‌ای از این مضمون‌ها و محتواها که در زیر می‌آید، قابلیت افزایش دارد و نمایانگر وسعت میدان مضمون در این زمینه است:

۴-۱. موضوع‌های مربوط به آموزش تاریخ: علم تاریخ/ فلسفه تاریخ/ روش تحقیق تاریخی (کشف و اکتشاف/ نسخه‌شناسی/ منابع/...) / تاریخ تحلیلی/ تاریخ تطبیقی/ نقد تاریخ/ نقد تاریخی/ شیوه‌های تاریخ‌نگاری/ دیرین‌شناسی و باستان‌شناسی/ تفاوت‌های تاریخ و اسطوره/ تاریخی/ گاه‌شناسی و گاه‌شماری/ تقویم تاریخ/ تاریخ عمومی جهان/ تاریخ عمومی هریک از اقوام، ملل، کشورها، تمدن‌ها و سرزمین‌ها/ تاریخ طبیعی/ تاریخ‌سازی/...

۴-۲. تاریخ علوم، معارف، فنون، هنرها، ادیان و مذاهب: تاریخ هریک از علوم/ تاریخ هریک از معارف/ تاریخ هریک از فنون/ تاریخ هریک از هنرها/ تاریخ هریک از ادیان و مذاهب/ آموزش هریک از علوم، معارف، فنون، هنرها، ادیان یا مذاهب به صورت تاریخی/ تاریخ تمدن و فرهنگ/ شیوه‌های تأثیر هریک از علوم، معارف، فنون، هنرها و ادیان و مذاهب بر دیگر موارد فرهنگ و تمدن دور و نزدیک/...

۴-۳. انواع نگرش به تاریخ: تاریخ سیاسی/ تاریخ اقتصادی/ تاریخ اجتماعی/ تاریخ فرهنگی/...

۵. قالب اثر تاریخی

به نگارش یا خلق آثاری تاریخی - اعم از تاریخ فرهنگی، تاریخ دینی یا حتی نگارش‌های ادبی و تخیلی تاریخی - می‌زنند و از سوی دیگر، بدون پشتوانه‌های فکری و اندیشه‌های لازم، بحث‌های عدم لزوم مطالعات عمیق محتوایی یا حتی عدم نیاز به مخاطب‌شناسی و روان‌شناسی کودک و نوجوان مطرح می‌شود. جای بحث درباره میزان درستی یا نادرستی این مدعیات، در این جا نیست، اما به نظر می‌رسد دست کم سه شرط زیر برای خلق یک اثر خوب ادبی یا هنری تاریخی، ضروری باشد:

۱-۶. اعتقاد و علاقه پدیدآورنده به موضوع:

اثر ادبی یا هنری، نماینده و آینهٔ درون خالق اثر است.

۲-۶. پژوهش: تاریخ یک علم است و

اطلاعات تاریخی، نتیجه پژوهش.

۳-۶. مخاطب‌شناسی: اگر می‌خواهیم اثر

ما را کسی ببیند یا بخواند یا بیسندد، باید عوامل جذابیت برای او و پسند او را بشناسیم و این مستلزم شناخت اوست.

مخاطب‌شناسی در کار برای کودک یا

نوجوان، یعنی دانستن زبان و ذهن او (واژگان پایهٔ او و روان‌شناسی او) و نیازهای گوناگون او.

آن چه آمد، چارچوبی خلاصه و حداقلی از هدف‌ها، گستره‌ها و بایدها و نبایدهای نگارش یا تصویرگری تاریخی برای کودک و نوجوان بود. هریک از پاره‌ها و بخش‌های این نوشته، می‌تواند موضوع بررسی‌ها و بحث‌هایی مستقل یا نقد و نظرهایی گوناگون باشد.

نگارش تاریخی برای کودک و نوجوان، از تنوع در قالب و شیوه‌های پدیدآوری اثر نیز برخوردار است. محتوای اثر تاریخی را که در بند پیش به آن اشاره داشتیم، می‌توان در قالب‌های خبر، گزارش، مصاحبه، آموزش، روایت، داستان (از داستانک تا رمان)، بازی، جدول، چیستان و کیستان، عکس، فیلم، کاریکاتور، طرح، تصویر و... به مخاطب منتقل کرد. شیوه‌های نگارش تاریخی، می‌تواند از تنظیم و نقل و بازنویسی ساده یک پاره تاریخی را دربرگیرد تا تنظیم به علاوهٔ ارائه اطلاعات تکمیلی، تنظیم به علاوهٔ ارائه اطلاعات تکمیلی همراه با افزوده‌های تخیلی، بازآفرینی تاریخ و نگارش کاملاً تخیلی براساس و اقیعات تاریخی، الهام از تاریخ و خلق اثر جدید، خلق تاریخی کاملاً تخیلی و... حتی می‌توان از شیوه نگارش متون کهن تاریخی الهام گرفت و متنی امروزی اما کهن آفرید که به جد یا به طنز محمل انتقال تاریخ، اطلاعات تاریخی، درگیرشدن با تاریخ و تاریخ آفرینی است. به برخی عوامل و عناصر جذابیت در قالب و محتوا، در بند ۳-۴ اشاره شد.

۶. خالق اثر تاریخی

این ادعا که خالق یک اثر مهم‌تر از خود اثر است، شاید سخن گزافی نباشد. بنابراین، به جاست اگر سخنی نیز درباره نویسنده یا تصویرگر اثر تاریخی بگوییم و بر آن تأکید کنیم. این تأکید از آن رو در امروز کشور ما ضرورت دارد که از یک سو، مشاهده می‌شود که نویسندگان یا تصویرگرانی بدون داشتن شرایط و صلاحیت‌های لازم، دست